



عربی

رهپویان
دانش و اندیشه

یادآوری

ترجمة الأفعال (حل تست)

مدرس: عمّار تاج بخش

2- عَيْنِ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«ما كَانَتْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنَاتُ يَمْدَحْنَ أَنْفُسَهُنَّ عِنْدَ الْآخِرِينَ!»

- 1) این‌ها که از خود نزد دیگران ستایش می‌کردند، زنان با ایمان نیستند.
- 2) این‌ها زنان مؤمنی هستند که خود را در پیش دیگران ستایش نمی‌کنند.
- 3) این زنان مؤمن خود را نزد دیگران مدح و ستایش نمی‌کردند.
- 4) آن مؤمنان خویشان را در مقابل دیگران مدح نکرده‌اند.

5- عَيْنِ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«لَنْ نَسْمَحَ لِلْمُسْتَكْبِرِينَ أَنْ يَدْخُلُوا فِي شُؤُونِنَا الْإِجْتِمَاعِيَّةِ وَ السِّيَاسِيَّةِ!»

- 1) اجازه دخالت در امور جامعه و در سیاست خود را به مستکبرین نمی دهیم.
- 2) به مستکبران اجازه نخواهیم داد که در امور اجتماعی و سیاسی ما وارد شوند.
- 3) به استکبارگران اجازه نمی دهیم که در مسائل اجتماعی و سایی جامعه ما دخالت کنند.
- 4) سخن مستکبران دایر بر اینکه در کارهای اجتماعی و سیاسی ما مداخله کنند را نمی شنویم.

6- «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِباً قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صُحُفِ مَدِينَتِنَا!»:

- 1 (من نویسندہای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه شهر ما به چاپ رسیده بود.
- 2 (نویسندہای را می‌شناختم که بیش‌تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود.
- 3 (به نویسندہای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه شهرمان به چاپ رسیده است.
- 4 (با نویسندہای آشنا شدم که بیش‌تر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت

7- «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا»:

- (1) آیا نمی بینید خداوند هفت آسمان تو در تو را خلق کرده است!
- (2) آیا نیاندیشیده‌اید که الله هفت آسمانی خلق کرده که تو در تو بوده است!
- (3) آیا نمی‌اندیشید چگونه الله آسمان‌های هفت گانه را طبقه بر طبقه آفریده است!
- (4) آیا ندیده‌اید که خداوند چگونه هفت آسمانی آفریده است که طبقه طبقه است!

9- «إِنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ نَشَرُوا الْحَضَارَةَ وَالثَّقَافَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ وَجَعَلُوا بِلَادَهُمْ فِي حَالَةِ التَّقَدُّمِ وَالْإِزْدِهَارِ الْعِلْمِيِّ!»

(۱) علمای مسلمین فرهنگ و تمدن اسلام را انتشار داده، وطن خود را به حالتی از ترقی و پیشرفت علمی سوق داده‌اند!

(۲) علمای مسلمان باعث نشر تمدن و فرهنگ اسلامی شدند و سرزمین‌های خود را به‌سوی پیشروی و رشد علمی برده بودند!

(۳) دانشمندان مسلمان، تمدن و فرهنگ اسلامی را منتشر کرده‌اند و سرزمین خویش را در حالت پیشرفت و شکوفایی علمی قرار داده‌اند!

(۴) دانشمندان مسلمان مدنیت و فرهنگ اسلامی را گسترش داده بودند و سرزمین‌های خود را در حالتی از ترقی و شکوفایی دانش قرار دادند.

12- «قَدْ أَنشَدَ هَذَا الشَّاعِرَ أَيْبَاتاً مُتَعَدَّةً فِي وَصْفِ الْعِلْمِ وَ الْعَالَمِ لِيَقْرَأَهَا فِي مَجْلِسِ تَكْرِيمِ الْعُلَمَاءِ الْكِبَارِ!»

(۱) شاعران بی شماری اییاتی در مورد دانش و دانشمند سروده اند تا در مجالس بزرگداشت علمای بزرگ خوانده شود!

(۲) این شاعر اییات متعددی را در وصف علم و عالم سروده تا آن ها را در مجالس بزرگداشت دانشمندان بزرگ بخواند!

(۳) بیت های فراوانی را این شاعر درباره علم و عالم می سراید تا در مجلسی برای تکریم دانشمندان بزرگ آن ها را بخواند!

(۴) در توصیف دانش و دانشمند این شاعر بیت های زیادی سروده است تا در همایش بزرگ علمای بزرگ خوانده شود!

13- «كَانَتِ الْمَدْرَسَةُ قَدْ دَعَتْ بَعْضَ صَدِيقَاتِي إِلَى حَفْلَةٍ نَجَاحِنَا بَعْدَ امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ السَّنَةِ!»:

(۱) پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولی‌مان دعوت کرده بود!

(۲) بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی‌ام دعوت کرد!

(۳) مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!

(۴) مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

14- «كَانَتْ شَمْسُ الصَّحْرَاءِ مُحْرِقَةً جَدًّا وَ النَّاسُ يُوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ فِيهَا صُعُوبَةً ! »

(۱) خورشید صحرا جداً می سوزاند و باعث می شود مردم راهشان را با سختی پیمایند!

(۲) در صحرا خورشید جداً داغ می کند و مردم راهشان را با سختی زیاد طی می کنند!

(۳) در صحرا آفتاب واقعاً سوزان بود و مردم راه خود را در آن سخت می پیمایند!

(۴) آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می دادند!

18- « قَدْ يُلْقِي الشَّابُّ نَفْسَهُ بِسَبَبِ أَخْطَائِهِ فِي بئرٍ، الْخُرُوجُ مِنْهَا صَعْبٌ كَثِيرًا! »:

- (۱) آن جوان به خاطر خطاهایش گاهی خویشتن را در چاهی می بیند که خروج از آن سخت است!
- (۲) آن جوان که برای اشتباهاتش خود را در چاه می اندازد، بیرون آمدنش از آن خیلی دشوار است!
- (۳) گاهی جوان به خاطر اشتباهاتش خود را در چاهی می اندازد که خارج شدن از آن بسیار دشوار می باشد!
- (۴) گاهی یک جوان به علت اشتباهاتش خود را در چای می بیند که بیرون آمدن از آن خیلی سخت می باشد!

20- « يا طُلَّابُ الْعِلْمِ، إَعْتَبَرُوا بِالْفُشْلِ وَبِالتَّجَارِبِ الْقِيَمَةَ! »:

- (۱) ای دانش آموزان، از ناکامی‌ها و تجربه‌ها پند بگیرید!
- (۲) ای طالبان علم، از شکست و تجربه‌های ارزشمند عبرت بگیرید!
- (۳) ای جویندگان علم، آن‌ها از شکست‌ها و تجربه‌های با ارزش عبرت گرفته‌اند!
- (۴) ای طالبان علم! آیا به شکست و تجربه‌های قیمتی با عبرت نگاه کرده‌اید!

21- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) إِنَّهُ قَدْ شَعَرَ بِأَنَّ شَعْبَهُ يُعَانِي الْكَسَالَهَ! : او احساس کرده است که ملتش از تنبلی رنج می برد!
- (۲) كَانَ الْمُسْلِمُونَ يَرْحَلُونَ لِيُبْحَثُوا عَنِ الْعُلُومِ: مسلمانان سفر کرده اند تا درباره علوم بحث کنند!
- (۳) لَمَّا وَصَلْنَا إِلَى الْمَنْزِلِ، دَخَلْنَا الْغُرْفَةَ فَرَحِينًا! : ما به منزل نرسیدیم، مگر وقتی با خوشحالی داخل اتاق شدیم!
- (4) عَلَى زَمِيلَاتِكَ أَنْ يُكْرِمَنَّ الشَّهْدَاءَ بِسَبَبِ تَضَحِيَّاتِهِمْ: دوستانت باید شهدا را به علت فداکاری احترام می کردند.

22- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) إِنَّ وَاجِبَكُمْ الدَّفَاعُ عَنْ مَظْلُومِي الْعَالَمِ!: وظیفه شما است که از مظلومان جهان دفاع کنید!

(۲) لَنْ تَرْجِعَ مِنْ ثُغُورِ بِلَادِكَ إِلَّا بِالْفَتْحِ الْمُبِينِ!: از مرزهای کشور باز نمی‌گردی مگر با پیروزی آشکار!

(۳) أَخَذْتُ رَأْيِي الْقَلِيلَ فَسَاعَدْتُ الْمَسَاكِينَ بِشَيْءٍ مِنْهُ: حقوق کمی گرفتم و با مقداری از آن به درماندگان

کمک کردم.

(۴) سَافَرْتُ إِلَى مَنَاطِقَ إِيْرَانَ الْمُخْتَلَفَةِ وَ شَاهَدْتُهَا: به مناطق مختلف در ایران سفر کردم تا آنها را

مشاهده کنم.

24- عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- 1 (لَمَّا كُنْتَ طِفْلاً مَا زَالَ هَذَا السُّؤَالُ يَشْغَلُ فِكْرِي! : از زمانی که طفلی بیش نبودم مسأله‌ای پیوسته ذهن مرا به خود مشغول کرده بود.
- 2 (نَحْنُ الْمَوْجُودَاتُ الْحَيَّةُ لِمَ نَتَوَلَّدُ وَ لِمَ لَا نَعِيشُ إِلَّا لَزْمِنٍ مُّحْدُوْدٍ فَنَمُوْتُ؟! : ما موجودات زنده چرا متولد می‌شویم و چرا فقط برای زمانی محدود زندگی می‌کنیم سپس می‌میریم؟!)
- 3 (وَلَكِنِّي عِنْدَمَا أَصْبَحْتُ أَكْبَرَ بِمَرُورِ الزَّمَنِ، وَجَدْتُ دَلِيلَ ذَلِكَ! : ولی به مرور زمان وقتی بزرگ‌تر شدم دلیل آن را یافتم.
- 4 (كَانَ الدَّلِيلُ يَرْجِعُ إِلَى مَسْأَلَةِ تَكَامُلِ الْإِنْسَانِ وَ حِكْمَةِ بَارِئِ الْكَوْنِ! : دلیل، به موضوع تکامل انسان و حکمت خالق هستی مربوط می‌شد.

27- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

(1) ذَهَبَ الصَّيَّادُونَ إِلَى الْبَحْرِ وَ رَمَوْا شَبَكَاتِهِمْ فِيهِ: صيادان به دریا رفتند و تورهای خود را در آن انداختند،

(2) وَ كُلُّ شَبَكَةٍ صَادَتْ أَسْمَاكًا، وَ لَكِنَّ بَعْضَهَا تَخَلَّصَتْ مِنْهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ: پس تورها ماهیان را صید می کرد ولی آن روز تعدادی از آن ها خلاص شدند،

(3) وَ بَعْضٌ آخَرُ سَقِعَ فِي الشَّبَكَةِ غَدًا وَ لَا يَنْجُوا مِنْهَا أَبَدًا: و تعدادی دیگر هرگز از آن رهایی نخواهند یافت و فردای آن روز در دام افتادند،

(4) إِنَّ الدُّنْيَا كَشَبَكَةِ الصَّيَّادِينَ، إِنْ وَقَعَ فِيهَا الْإِنْسَانُ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا أَبَدًا!: دنیا نیز چون تورهای ماهی گیری است که اگر فردی در آن بیفتد نجات نمی یابد!

28- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- 1 (لَا تَتَكَاسَلْ، فَإِنَّ النَّجَاحَ لَا يُنَاسِبُ الْكَسَلَ! : تنبلی مکن که موفقیت با تنبلی تناسب ندارد!
- 2 (لَا تَتَكَاسَلِ الْمُمْرِضَةُ الْحَازِقَةُ عَنْ أَعْمَالِهَا! : ای پرستار ماهر، در انجام کارهایت تنبلی مکن!
- 3 (شَاهِدِ الطَّلَابُ دَرَجَاتِهِمْ فِي الصَّفِّ فَائِزِينَ! : نمره دانش آموزان کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!
- 4 (صَادِقُ الَّذِي يُشْفِقُ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ فِي غَفْلَةٍ! : آن که دلسوز تو است، با تو دوستی کرد در حالی که

غافل بودی!

رهپویان

دانش و اندیشه

